

جمعیت اخوان الصفا و اندیشه رواداری اسلامی

رمضان محمدی، استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده‌ی مسئول)*
محمد باقر خزائیلی، استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

پیدایش انجمن سری اخوان الصفا یکی از رویدادهای مهم فکری و فرهنگی قرن چهارم هجری است که در تاریخ فلسفه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد آن هم در شرایط سیاسی، اجتماعی و فکری قرن چهارم هجری که از یک سوء به واسطه ضعف سیاسی - مذهبی خلافت که به ناتوانی نهاد خلافت در پاسخ‌گویی به چالش‌های فکری جامعه اسلامی انجامیده بود و از سوی دیگر ظهور علوم اوایل و فرهنگ یونانی در تقابل با اندیشه‌های اسلامی قرار گرفته بود و اندیشمندان جامعه اسلامی را با چالش‌های متعدد مواجه نموده بود. این امر سبب ظهور گروه‌های غیررسمی شده بود که در صدد پاسخ‌گویی به شرایط فکری جامعه آن روز بودند. اخوان الصفا در زمره همین گروه‌های است که با طرح اندیشه رواداری و تسامح درصدد نزدیک کردن شریعت اسلام با فرهنگ یونان و اندیشه ایرانی و مانوی و گنوسی برآمده است زیرا این جماعت در عراق که مرز التقاطی اندیشه‌های پیش گفته شکل گرفته است با انتخاب عنوان اخوان الصفا برای جمعیت خود صحبت از اخلاقی نمودند و به گسترش اندیشه رواداری اسلامی مذهبی پرداختند. این نوشتار با طرح این سؤال که علت رویکرد اخوان الصفا به اندیشه تسامح چه بوده است؟ این فرضیه را مطرح نموده است که اندیشه تسامح الصفا برآمده از شرایط فکری و سیاسی قرن چهارم هجری بوده است که ما براساس روش توصیفی - تحلیلی تاریخی درصدد بررسی این موضوع می‌باشیم.

کلید واژه: اخوان الصفا، تسامح و تساهل، قرن چهارم هجری، شریعت اسلام، فرهنگ یونان

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۱

*E-mail: rmohammadi@rihu.ac.ir

۱. مقدمه

قرن چهارم هجری، قری سرنوشت ساز در تاریخ جهان اسلام است. گسترش فرهنگ یونان در بلاد اسلامی و التقاط آن با اندیشه‌های فیلسوفان اسلامی از یک سوء و ظهور نحله‌ها و مکاتب فکری مختلف همگی نشان از نوعی پویایی فرهنگی و تکریم اندیشه‌ورزی در قلمرو اسلامی داشت. در میان مکاتب و نحله‌های نوپا گروه اخوان‌الصفا که در واقع نام اصلی آنها «اخوان‌الصفا و خلان‌الوفاء» است از اهمیتی خاص برخوردار است. زیرا این گروه نتیجه تطور اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه خود بودند و بنیانگزاران این گروه اهداف سیاسی و تفکر خاصی را دنبال می‌کردند. این جمعیت مخفی به ترویج نوعی مشرب دینی و فکری می‌پرداختند که به زبان امروزی تسامح دینی و تعامل با سایر ادیان و فرق نامیده می‌شود. در واقع می‌توان چنین استنباط کرد که جماعت اخوان‌الصفا با توجه به محیط زمانه خود به دنبال ترویج نوعی «پلورالیسم دینی» در قرن چهارم هجری بودند. این نوشتار با طرح این سؤال که علل رویکرد اخوان‌الصفا به اندیشه تسامح چه بوده است؟ این فرضیه را مطرح می‌کند که اندیشه تسامح و نزدیکی فلسفه یونانی و اندیشه ایرانی و مانوی و گنوسی با شریعت اسلامی در باور اخوان‌الصفا برآمده از شرایط فکری و سیاسی زمانه آنها بوده است که با طرح این اندیشه درصدد نزدیکی اندیشه‌های جامعه اسلامی در فضای متلاطم فکری قرن چهارم هجری بودند. در این نوشتار براساس مطالعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۲. اندیشه رواداری اسلامی اخوان‌الصفا

۲-۱ وضعیت سیاسی و فکری قرن چهارم هجری

مدارای دینی و مذهبی (تسامح و تساهل) به معنای زندگی مسالمت آمیز با گروه‌های مختلف دینی و مذهبی در جامعه اسلامی و تحمل عقاید مخالفین یکی از اصول پذیرفته شده در اسلام است که که مبنای قرآنی (بقره ۲)؛ ۱۹۰-۱۳۹؛ ۲۸، آل عمران (۳)؛ ۶۴؛ انفال (۸)؛ ۶۲-۶۱ و روایی (کلینی ۱۳۵۱)، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۱۷) نیز دارد. خوارج در قرن اول هجری زمینه‌های اتهام به کفر را در میان مذاهب اسلامی پدید آورد و در قرن دوم هجری با فتوای سخت مالک بن انس (۱۷۹-۵۹۳). (الزرکلی (الزرکلی خیرالدین (۱۰۸۵ هـ ق)، ج ۵، ص ۲۵۷). در خصوص برخی رفتارهای مسلمانان مانند زیارت مرقد اولیای خدا و اماکن مقدس و پس از آن نیز اندیشه‌های احمدبن حنبل باعث تشدید این امر گردید و سلف گرایان به تکفیر مسلمانان پرداختند و نزاع مذهبی به اوج خود رسید. خلفای عباسی برای از بین

بردن اختلافات میان مذاهب بیشتر در صدد استقرار یک مذهب واحد دولتی و اجباری برای همه مسلمانان بودند که در این زمینه می‌توان به اقدامات مأمون در جهت حمایت از مذهب معتزله و نیز اقدامات دیگر خلفا مانند متوکل عباسی که به دنبال حذف معتزله و حمایت و بسطید به اهل حدیث و حنابله بود اشاره کرد.

این روش آنان نه تنها به اختلافات مذهبی پایان نداد بلکه منجر به تشدید آنها و به وجود آمدن تعصبات خشونت باری در میان مذاهب اسلامی به معنای عام و مباحثی چون امامت و در میان حنابله و شافعیه در موضوعاتی چون تشبیه در ذات و صفات داد که در نهایت منجر به تزلزل سلطه خلفای عباسی در بغداد گردید. (جهت آگاهی بیشتر نک. مفتخری حسینی، بارانی محمدرضا، انطیقه چی ناصر، «مدارای دینی و مذهبی در عصر آل بویه» فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۶ بهار ۱۳۹۱، ص ۷۹) اختلافات مذهبی در قرن چهارم نیز ادامه داشت و به دلیل ناهنجاری‌های سیاسی جامعه و گرایش‌های فرقه‌ای متعدد و تفکرات جدید ناشی از تأثیرات نهضت ترجمه، اوضاع فکری و مذهبی پیچیده‌ای پدیدار گردید. در نتیجه باتوجه به اوضاع پیچیده فکری و مذهبی و فرهنگی جامعه برای آرامش و الفت اجتماعی مذهبی و سیاسی نیازمند یک نوع مدارای دینی و مذهبی هم از طرف علمای اسلامی و هم از طرف حاکمان بود و در این شرایط خلافت عباسی در بغداد در دست ایران آل بویه (حکومت در بغداد ۴۴۷-۳۳۴ ق) قرار گرفت. (مفتخری، بارانی، انطیقه چی ص ۷۹).

رویکرد شیعی - معتزلی آل بویه و عدم حاکمیت جدی و ضعف سیاسی - مذهبی دستگاه خلافت که به ضعف فکری و ناتوانی نهاد خلافت و مبلغین آن در پاسخگویی به مسائل و چالش‌های فکری موجود میان مسلمین که با ورود و رسوخ فرهنگی و فکری دیگر ملل ابعاد گسترده‌ای یافته بود، باعث گردید به تدریج گروهها و انجمن‌های غیررسمی در جامعه اسلامی شکل گیرند. (کومر جونل، ل (۱۳۷۵)، ص ۱۵۵). این گروههای غیررسمی سعی داشتند ضمن پاسخگویی به سؤالات و شبهات پدید آمده در میان مسلمانان، چالش‌های فکری - فرهنگی موجود میان اسلام و افکار فلسفی و مسائل عقلی را نیز از میان بردارند و از این طریق به اختلافات پیش آمده میان پیروان فرق و مذاهب پایان دهند. (ابوحیان توحیدی (۱۹۳۹ م) ص ۵). از جمله این گروهها جماعت اخوان الصفا بود که تلاش عمده‌ی متفکران و اعضای اساساً مجهول این گروه ایجاد نزدیکی و سازش میان علوم اوایل و تفکر اسلامی و قرآن بود اینان می‌خواستند با بهره‌گیری از این رویکرد روش جدیدی برای ایجاد زندگی مسالمت آمیز و به دور از تعصبات مرسوم پی‌ریزی کنند. (میان محمد شریف (۱۳۶۲) ج ۲، ص ۱۳۶).

۲-۲ بررسی رواداری اسلامی در اندیشه اخوان‌الرضا

از سده چهارم هجری تنی چند از دانشمندان آزاداندیش و بیدار دل انجمنی در بصره بنیادگزارند. اینان مانند «چلیپائیان گل سرخ» سده پانزدهم مسیحی، نهانی در آن انجمن گرد می‌آمدند و در باره فرهنگ و دانش روزگار خویش می‌اندیشیدند. آن‌ها می‌خواستند میان دین و فلسفه که بر اثر جنگ و ستیز پیروان سنت با فیلسوفان شکافی میان آن دو پدید آمده بود، سازش دهند و به همین منظور پنجاه و دو دفتر به نگارش درآوردند. دانش‌پژوه معتقد است که «به گواهی مورخان و از روی تاریخی که در آن دفترها دیده می‌شود بایست از سال ۳۴ هـ ق» که رهبر اشعریان ابوالحسین علی بن اسماعیل اشعری درگذشت (اخوان‌الرضا در دفتر ۱۷ از بخش دوم از اشعریان یاد کرده‌اند برای آگاهی بیشتر نک: اخوان‌الرضا (۱۳۴۷/۰۱۹۲۸ م) ج ۳، ص ۱۶۷) و معزالدوله احمد بن بویه‌ای دیلمی در روزگار مستکفی عباسی (۳۳۳-۳۳۴) بغداد را بگرفت و آسیبی سخت به پیکره فرمانروایی تازیان زده تا رجب سال ۳۷۴ هـ ق که ابوحنیف توحیدی «الامتناع و المؤمنه» را نوشت این دفترها به نگارش درآمده باشد. (نامعلوم (۱۳۸۷) مجمل‌الحکمه، ص یک از مقدمه محمدتقی دانش‌پژوه). این درحالی است که علی اصغر حلبی سالهای بین ۳۵۰ تا ۳۷۵ هـ ق را سالهای نگارش رسائل دانسته است. (حلبی (۱۳۸۰) ش)، ص ۴۳. به هر ترتیب تاریخ دقیق و قطعی را نمی‌توان برای نگارش این رسائل تعیین نمود.

به نظر می‌آید که اخوان‌الرضا جماعتی متفلسفان اخلاقی بودند که می‌گفتند نزاع اجتماعی و سیاسی و دینی و قومی موجود مربوط به تعداد ادیان و مذاهب دینی و قومی در خلافت عباسیان می‌باشد پس واجب است که همه این اختلافات را با ایجاد مذهبی که بر پایه چیزهایی که مأخوذ از همه همه ادیان و مذاهب است، از میان برداشت. (عمر فروخ، (۱۹۵۲ م)، ص ۳۲۸). این رساله‌ها در واقع یک دوره فلسفه یا به اصطلاح امروز یک نظام فلسفی گسترده است که از مبداء تا معاد یا از خدا تا سرانجام هستی انسان همه را در بر می‌گیرد. گروهی عقاید این جماعت را بر پایه کلام معتزله و گروهی گروهی بر پایه عقاید اسماعیلیان و قرمطیان و فاطمیان جز آنها نهاده‌اند و گروهی بر پایه عقاید فیلسوفان مشایی و پژوهشگران امروزی بیشتر بر پایه اندیشه‌های افلوطین حکیم اشرافی اسکندرانی و نوافلاطونیان، اما به اعتقاد علی اصغر حلبی اگر چه هر یک از این عقاید تا اندازه‌ای درست است و در آثار برادران برای هر کدام از آنها مأخذ و محلی می‌توان یافت ولی هیچ یک از آنها با واقع سازگار نیست و باور دارد که تنها فرقه‌یی که عقاید برادران در بسیاری از مسائل کلی صرف نظر از ریاضی و

علوم طبیعت که علم صرف بوده و به آنها بسیار نزدیک و در بسیاری مطالب با آنها یکسان است صوفیان و عارفان اسلامی به ویژه ایران است (گزیده رسائل اخوان الصفا، ص ۴۶-۴۵)؛ اما به طور کلی با توجه به رویکرد اخوان الصفا می‌توان گفت آنها به مکتب یا مذهب خاصی تعلق خاطر نداشته‌اند و به نظر می‌رسد از ادیان و مکاتب مختلف آنچه را برای آنها از علوم و دین مقید بوده برداشت می‌کرده‌اند. هدف اخوان الصفا از نگارش این رساله‌ها نزدیک کردن توده مردم به روش استدلال بود. تا بدین وسیله آنها را از زیر بار تقلید بیرون آورند و ظاهرگرایان نتوانند بیش از پیش رو فکر ایشان تأثیر بکنند و برای همین منظور این رسائل پر از داستانهایی رایج میان مردم و نام کتابهای ادبی ساده و توده فهم است. (حلی (۱۳۸۰ ش)، ص ۴۸).

اخوان الصفا برای توجیه معتقدات دینی مسلمین آنها را با اقوال حکما منطبق کردند و در برخی از مسائل مذهبی به روش فلسفه متوسل می‌شدند. آنها برای تزکیه باطن و صعود بر مدارج کمال علاوه بر توسل به فلسفه و حکمت معتقد به تمسک به دین نیز بود اخوان الصفا سعی داشتند اصول حکمت فلسفه را با مبانی دین اسلام سازش دهند و فاصله‌ای را که میان حکما و اهل دین پدید آمده بود از میان بردارند. اخوان الصفا معتقد بودند که به یاری علم و اعتقاد به دین می‌توان به تصفیه باطن نائل شد و به مرحله‌ای از کمال که غایت شرایع و ادیان است رسید و حقایق آنها را بهتر فهمید و بر اثر اعتقاد به مبانی دین اسلام و اصول عقاید افلاطونیان و فیثاغوریان جدید و صوفیه با فلسفه مادی اختلاف نظر داشتند و اقوال آنها را رد می‌کردند و برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفان اهل دین و فلسفه به نظر عقاید خود موفق شوند رسالتی بدون ذکر نام مؤلف نوشتند و در این رسائل تمایل اخوان الصفا بیشتر به عقلای یونان و به فلسفه ایران و هند است. (صفا ذبیح الله (۱۳۸۶)، ص ۳۳۷-۳۳۵)

اخوان الصفا بر اثر مشکلاتی که برای اهل حکمت و علوم عقلی در برابر تعصبات احساس می‌کردند، دارندگان این رسائل را به حفظ آنها از نااهل یا کسی که رغبتی بدانها ندارد، توصیه می‌نمودند و می‌گفتند باید آنها را به مستحق رساند و از کسی که در راه رشد و سداد و در طلب علم و حقیقت باشد پنهان کرد و در حفظ و حراست آنها نهایت مراتب را به کار برد. (اخوان الصفا، (۱۳۴۷/۱۹۲۸ م) ج ۱، ص ۲۱). اخوان الصفا برای آموزش طبقات فوق علاوه بر رسائل مذکور، در بلاد مختلف مجالسی خاصی داشتند که مواقع معین در آنها گرد می‌آمدند و کسی جز آنان در این مجالس حاضر نمی‌شد در این محافل علوم خود را مورد مذاکره قرار می‌دادند و اسرار خویش را در معرض محاوره و بحث در می‌آوردند در این مباحث به غالب علوم خاصه علوم الهی که غرض اقصای اخوان بود، توجه می‌شد و شرط عمده کار ایشان آن بود که نسبت به هیچ یک از علوم دشمنی نکند و هیچ کتابی

را به چشم بی‌اعتنایی ننگرند و نسبت به هیچ یک از مذاهب تعصب نورزنند. (اخوان‌الصفا (۱۹۲۸/۱۳۴۷)، ج ۴، ص ۱۰۵).

۲-۳ تسامح مذهبی در اندیشه اخوان‌الصفا

جمعیت اخوان‌الصفا نمونه بارز رشد روحیه تسامح و تساهل می‌باشد. اخوان‌الصفا سفارش می‌کردند که برادران باید با هیچ دانشی ستیز نکنند، کتابی را کنار نهند و به هیچ مذهبی تعصب نورزنند. چون همه از سرچشمه یگانه و جهاتی یگانه برخاسته‌اند. در باور آنها اختلاف در ادیان هیچ نقصی در اصل دین نیست زیرا این مسأله تاحدودی طبیعی است و ممکن است یک چیزی نزد قومی پسندیده باشد و همان مسأله نزد قوی ناپسند. از سوی دیگر اختلاف در میان ادیان دارای فوایدی از قبیل یافتن دلایل عمیق و بحث‌های سازنده در مورد دین. کشف نقایص و اصلاح آنها است. لذا در متون دینی ما گفته شده که اختلاف علما و دانشمندان رحمت است. اخوان‌الصفا در رسایل خود به طور هوشمندانه و غیرمستقیم به نقد و رد حدیث تفرقه پرداخته‌اند. چنان که نویسندگان این رسایل ضمن گفتگو میان دو تن که یکی ناجی نام دارد و دیگری هالک به نقد تعصبات دینی پرداخته‌اند و جالب آن که فرد هالک دقیقاً برخلاف روح کلی حاکم بر حدیث معروف تفرقه است. (اخوان‌الصفا (۱۹۲۸/۱۳۴۷) م، ج ۱، ص ۲۱-۲۲). نکته دیگری که در بررسی سرگذشت و فعالیت‌های این انجمن باید به آن توجه داشت این است که نظرات انجمن اخوان‌الصفا بر خلاف دو جریان پیشین همگرایی و آشتی خواهی اهل سنت یعنی مرجئه و معتزله که عقایدشان از مسائل مربوط به فتنه‌ی اولی ریشه گرفته بود؛ و ناشی از تشکیک آنها در مواضع اسلام و سنت است. متأثر از زمینه اجتماعی - فرهنگی جدیدی که در اثر نفوذ دیگر فرهنگ‌ها حاصل شده بود، شکل گرفت اینان در زمانی که تقابل میان دین و فلسفه یا عقل و دین به اوج خود رسیده بود با شعار و هدف ایجاد آشتی میان این دو و ایجاد صلح و صفا و برادری میان مردم اقدام به انتشار تعالیم خود کردند. (عنایت حمید (خرداد و تیرماه ۱۳۷۷)، ص ۵۶). جنبه دیگری از شیوه فکری اخوان‌الصفا که لازمه مشرب اصالت چندگانگی (پلورالیسم) است احترام در حق مذاهب دیگر و بیزاریشان از تعصب در امور اعتقادی است. (عنایت حمید (خرداد و تیرماه ۱۳۷۷)، ص ۵۶).

در موضع‌گیری اخوان‌الصفا بر علیه دشمنی‌های مذهبی و تعصبات و نزاع‌ها ملاحظه می‌شود که آنان اعتقاد دارند که این گونه منازعات و تعصب‌ها به خاطر دین و مذهب نیست بلکه ابزاری برای

ریاست و جاه و جلال و سلطه است. متعصبین و پیروان فرق و مذاهب برای منافع خود عقاید گوناگون و منحرف را وارد دین کرده‌اند. (قلی زاده محمدرضا (۱۳۸۸)، ص ۱۴۱). اخوان الصفا در رسایل خود آورده‌اند که: «این عقاید را رسول علیه السلام نیاورده و به آنها امر نداده است. اینان آنها را ابداع کردند و به عوام الناس گفتند این سنت و سیرت رسول علیه السلام است و دین را برای خود خواسته به طوری طوری که گمان بردند آنها چه ابداع کرده‌اند حقیقت است و پیامبر به آن امر کرده است... لذا به تفرقه و تخریب روی آورد و دشمنی و فطرت در میان آنان جاودانه شد و گرفتار فتنه‌ها و جنگ‌ها شدند و برخی خون برخی دیگر را حلال شمردند. (اخوان الصفا (۱۳۴۷/۱۹۲۸ م)، ج ۱، ص ۲۲-۲۱).

اخوان الصفا بهتر از هر کسی از فضای سنگین مناقشات و مجادلات فرقه‌ای آگاه بودند و به همین دلیل سعی در پنهان کردن هویت خود داشته‌اند. نظرات نخبه گرایانه و فلسفی اخوان الصفا و ماهیت التقاتی عقاید آنان. (جهت آگاهی بیشتر تک: ابراهیمی دینانی غلامحسین (۱۳۷۹)، ص ۱۴۹-۱۴۷) در فضای مسموم و اتهام آمیز فوق نه تنها ایجاد آرامش نمی‌کرد بلکه همانند نظرات اسلاف معتزلی شان موجب بالا گرفتن اعتراضات اهل سنت را که در صدد بودند کاملاً آموزه‌های معتزلی را کنار گذارند، برانگیخت و برنامه‌های آنان از پیش با شکست مواجه گردید. (قلی زاده حمید رضا (۱۳۸۸)، ص ۱۴۱). از بررسی بخش‌های مختلف رسایل اخوان الصفا این روحیه تسامح را شاهد هستیم. چنانکه در یکی از رسایل آمده است، «هدف دوست نیکان بود که متشکل از گروه‌های شایسته و با فضیلتی باشد که در سرزمینی گرد هم و بر اندیشه دینی و مذهبی واحد اتفاق نظر کنند و با یکدیگر پیمان ببندند که یاور هم باشند و ذلت نپذیرند و به یکدیگر کمک کنند و از پای ننشینند و در تمام کارها چون انسانی واحد و در تمام تدبیرها و نیز در کمک به دین و آخرت طلبی چون روحی یگانه باشند و به جز رضای خدا طلب نکنند. (حلبی (۱۳۸۰) ص ۱۲۳).

هانری کربن تأکید می‌کند که کلمه «صفا» تقیص «کدورت» است. (کربن هانری (۱۳۷۵)، ص ۱۸۹). چنان که می‌دانیم کدورت‌ها و سوء تفاهم‌های برداشتی این کدورت‌ها، پذیرش و تبلیغ نوعی تکثرگرایی درشئون مختلف فرهنگی، اجتماعی - سیاسی که همانا روا بودن مشرب‌های گوناگون سیاسی در داخل جامعه به شرط رعایت یک سلسله اصول در مورد اجماع عامه مردم بود را محور اصلی برنامه خود قرار دادند. (قلی زاده حمید رضا (۱۳۸۸)، ص ۱۴۰) این پلورالیسم در دانش سیاسی و پذیرش تعداد نژادها و سلاقی در کنار پلورالیسم مذهبی نشان از فهم و آگاهی ژرف اینان از دانش‌های گوناگون و نیازهای جامعه را داشت. (ابراهیمی دینانی غلامحسین (۱۳۷۹)، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۳۷).

اخوان‌الصفایان برای این باورند که شایسته چنین است که نه کتابی از کتابها را فرو گذارند و نه به کیشی از کیش‌ها تعصب ورزند. رأی و مذاهب ما همه مذاهب را دربرمی‌گیرد و همه‌ی دانش‌ها را یکجا گرد می‌آورد. «ولایت‌عصوا علی مذهب من المذاهب. لان رأینا و ماهبنا یتغرق المذاهب کلها» (حلی علی اصغر (۱۳۸۰) ص ۱۵۹). بدون تردید نگرش همراه تسامح اخوان‌الصفایان سبب شد تا دانشمندان مسلمانان جذب این جمعیت شوند در پایان باید توجه داشت که علیرغم آنکه برنامه‌های آشتی جویانه اخوان‌الصفایان که بخش مهمی از اندیشه‌های آنان را تشکیل داده بود، با شکست مواجه شد؛ اما این نه تنها اندیشه از میان نرفت بلکه تأثیر فراوانی بر مسائل اخوان‌الصفایان و اندیشه تسامح آنها بر صوفیان اسلام هستیم. (کوربن هانری (۱۳۷۵)، ص ۱۹۳). جریان تصوف که برخلاف اخوان‌الصفایان فلسفه ستیز و جبری اندیش بود از خود صلاحیت بیشتری در اجرای برنامه‌های همسازگرایانه اخوان‌الصفایان نشان داد (قلی زاده حمید رضا (۱۳۸۸)، ص ۱۴۰).

نتیجه

جماعت اخوان‌الصفایان با طرح اندیشه رواداری اسلامی درصدد تغییر شرایط سیاسی، اجتماعی و فکری آشفته جامعه اسلامی در قرن چهارم هجری بود؛ زیرا این جماعت ایجاد این شرایط فکری و اجتماعی را ناشی از تعصبات فکری و دینی وضعف حاکمیت در حل مسائل سیاسی و مذهبی می‌دانست؛ و در شرایطی که نهاد خلافت در پاسخ گویی به چالش‌های فکری موجود میان مسلمانان ناتوان بود. جماعت اخوان‌الصفایان با رویکرد رواداری اسلامی در صدد پاسخگویی به سؤالات و شبهات پدید آمده در میان مسلمانان بوده و از طریق نزدیک کردن اندیشه‌های اسلام با افکار فلسفی یونانی و تعالیم ایرانی و گنوسی در صدد برآمدند به اختلافات پیش آمده مذاهب اسلامی پایان دهند و این رویکرد را بهترین راهکار برای بهبود شرایط موجود می‌دانستند. اخوان‌الصفایان در زمانی که تقابل میان دین و فلسفه عقل و دین به اوج خود رسیده بود، با شعار و هدف ایجاد آشتی میان این دو و ایجاد صلح و برادری میان مردم اقدام به انتشار تعالیم خود مبتنی بر رواداری اسلامی کردند. به نظر می‌رسد آنها عنوان اخوان‌الصفایان بر مبنای همین اندیشه برادری و صلح انتخاب کردند و به نوعی تلاش نمودند تا شرایط آشفته فکری جامعه اسلامی زمانه خود را آرام کنند. هرچند این اندیشه در عمل توفیقی حاصل نکرد و برنامه‌های آنان با شکست مواجه شد ولی این اندیشه در جهان اسلام باقی ماند چنانکه بعدها شاهد ظهور تفکر رواداری اسلامی اخوان‌الصفایان در مبانی فکری صوفیان اسلام می‌باشیم.

منابع

- ابراهیمی دینانی غلامحسین (۱۳۷۹) ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام؛ تهران، طرح نو.
- ابوحیان توحیدی (۱۹۳۹ م) الامتاع و الموانسه، قاهره.
- اخوان الصفا (۱۳۴۷/۰ ۱۹۲۸ م) رسائل اخوان الصفا، مقدمه احمد زکی پاشا، مصر.
- اخوان الصفا (۱۳۸۰ ش) گزیده رسائل اخوان الصفا، ترجمه و توضیح علی اصغر جلبی، تهران، اساطیر.
- الزکلی خیرالدین (۱۰۸۵ هـ ق) الاعلام قاموس تراجم، بیروت، دارالعلم للملانیین.
- صفا ذبیح الله (۱۳۸۶)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، مجید.
- عمر فروخ، (۱۹۵۲ م) تاریخ الفكر العربی الی ایام ابن خلدون، بیروت [بی نا].
- عنایت حمید «بینش سیاسی اخوان الصفا: یک جنبش روشن بین ایرانی دردامن فرهنگ اسلامی» تکمیل از روی متن انگلیسی، فرزین غفوری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۹ و ۱۰ (خرداد و تیرماه ۱۳۷۷).
- قلی زاده محمدرضا (۱۳۸۸) منازعات فرقه‌ای و تحول مذهبی در ایران، قم، نشر حبیب.
- کرین هانری (۱۳۷۵) روابط حکمت اشراق فلسفه ایران باستان، ترجمه: ع، روح بخشان، تهران، اساطیر با همکاری مرکز گفتگوی تمدن‌ها.
- کلینی (۱۳۵۱) اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر اهل بیت، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۲۲
- کومر جوئل. ل (۱۳۷۵) احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مفتخری حسین، بارانی محمدرضا، انطیقه چی ناصر، «مدارای دینی و مذهبی در عصر آل بویه» فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۱
- میان محمد شریف (۱۳۶۲) تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه نصرالله پور جوادی، تهران، نشر دانشگاهی.
- [نامعلوم] (۱۳۸۷) مجمل الحکمه، ترجمه گونه‌ای کهن از رسائل اخوان الصفا، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

